

اشتفان تسوايگ

نبرد با اهریمن

تراژدی فریدریش نیچه

خسرو رضایی



کتاب پارسه

- سرشناسنامه : نساویگ. اشتفان. ۱۸۸۱-۱۹۴۴م.
 عنوان و نام پدیدآور : نیرد با اهریمن، تراژدی فریدریش نیچه / اشتفان نساویگ: ترجمه خسرو رضایی.
 مشخصات نشر : تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص: ۲۰/۵×۱۳/۵ س.م.
 فروست : سرگذشت نامه ها: ۲
 شابک : ISBN 978-600-57722-25-9
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا.
 یادداشت : کتاب جانر ترجمه بخش مربوط به نیچه از تراژدی
 Der Kampf mit dem dämon, Holderlin, Kleist, Nietzsche
 - نیرد یا اهریمن - است.
 موضوع : نیچه، فریدریش ویلهلم - ۱۸۴۴-۱۹۰۰م - نقد و تفسیر.
 شناسه افزوده : رضایی، خسرو، ۱۳۰۶-
 رده بندی کنگره : B ۳۳۱۷ / ۵۲۲ ۱۳۸۹
 رده بندی دیویی : ۱۹۲
 شماره کتاب شناسی ملی : ۲۰۰۷۱۹۳



کتاب پارسه

■ نیرد با اهریمن، تراژدی فریدریش نیچه

فریدریش نیچه	ترجمه خسرو رضایی
ویرایش و تولید: کارگاه ویرایش کتاب پارسه	مجید رنجبر
حروف چینی و آماده سازی: آتلیه کتاب پارسه	سمانه حسن زاده، سیما پناهی
طراحی و گرافیک: پرویز بیانی	لیتوگرافی چاپ، صحافی: اطلس چاپ
نوبت و شمارگان: چاپ اول، ۱۳۹۰	۱۶۰۰ نسخه، ۳۳ تومانی

© حق چاپ محفوظ است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

- دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروز دین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه چهار، واحد پانزده، تلفن: ۶۶۴۱۳۴۴۴ و ۶۶۴۱۳۴۹۴
- www.parsehbook.com / info@parsehbook.com
- دفتر فروش: پخش کتاب سبحان، تلفن: ۶۶۴۰۱۳۶۹



اِشْتَهانِ شُورایِیگ
(۱۸۸۱-۱۹۴۲)

نویسنده معروف اتریشی که بیش‌تر به‌سبب تألیف
زندگی‌نامه‌های گوناگون و جذاب مشهور است.

از دیگر آثار او:

سه استاد (دربارهٔ او نوره دو بالزاک، چارلز دیکنز و فیودور
داستایفسکی)، شفا بخشان روح (دربارهٔ فروانسوا نتوان مسمر،
زیگموند فروید و مری بیکر ادی)، ماری آنتوانت. آموک،
ترحم خطرناک، بیست و چهار ساعت از زندگی یک زن،
دنیای دیروز (زندگی‌نامهٔ خودنوشت) و...

فهرست

۱۱	یادداشت مترجم	
۱۵	تراژدی بدون بازیگر	فصل یکم :
۲۱	تصویری دوگانه	فصل دوم :
۲۱	تصویر همچنان بگیر قهرمان	
۲۲	تصویر واقعی	
۲۷	در مدح بیماری	فصل سوم :
۴۱	دون ژوان «شناخت»	فصل چهارم :
۵۱	سودای یکرنگی	فصل پنجم :
۶۳	بازگشت به خود	فصل ششم :
۷۵	کشف جنوب	فصل هفتم :
۸۷	پناه بردن به موسیقی	فصل هشتم :
۹۵	هفتمین عزلت	فصل نهم :
۱۰۱	رقص بر فراز ویرانه‌ها	فصل دهم :
۱۱۱	مربی آزادی	فصل یازدهم :

یادداشت مترجم

در چرخش قرن نوزدهم به قرن بیستم، گمان بر این بود که اروپای فریبا، اصطلاح رایج آن زمان، در سراسر این قرن جلوه‌گری بیش‌تری خواهد کرد. آن زمان با معصومیت تمام غافل از درگیری دو جنگ جهانی مهیب بودند اما چهره جهان روز به روز دژم‌تر شد و به زشتی بیش‌تر گرایید. از سوی دیگر، در تکاپوی اندیشه‌های نوین و پیدایش چهره‌های جدید در علوم، همین جهان به دگرگونی‌های بی‌سابقه‌ای روی آورد. چهره‌هایی قوی و سترگ، گاه متعارض و گاه مکمل هم، چنان تکان‌هایی در ساختار تمدن و زندگی به وجود آوردند که هنوز ادامه دارد. در این میان نمی‌توان از پیشرفت‌های شگرف آوری علم روان‌شناسی و روان‌کاوی، که پایه‌گذار آن زیگموند فروید بود، یاد نکرد. نظریه‌های او در طیفی وسیع از جهان و آنچه در آن می‌شود، به‌خصوص در پژوهش‌های روان‌شناسانه اجتماعی، بسیار مهم بود و تأثیر آن در ادبیات و شرح حال بزرگان خیلی زود به نتیجه‌های شگرف رسید و موجب شد زندگی‌نامه‌نویسان بزرگی چون امیل لودویگ، آندره موروآ و اشتفان تسواایگ آثاری بدیع و جاودان به وجود آورند.

اشتفان تسواایگ با طبع شاعرانه و دراماتیکی که داشت، سراغ شخصیت‌های حزین و مرموز رفت تا در گفت‌وگوی درونی‌ای که با خود داشت، بتواند با مخاطب قرار دادن آن‌ها تا حدی رموز درون خویش را نیز از زبان قهرمانانش بشنود. پایان اندوهناک کار وی گواهی بر این مدعاست.

اشتفان تسواایگ (۱۸۸۱-۱۹۴۲) تحصیلات خود را در اتریش، آلمان و

فرانسه به انجام رساند. هنوز به پنجاه سالگی نرسیده بود که شهر آرام سالزبورگ را به عنوان اقامتگاه دائمی خود برگزید اما حوادثی در راه بود که نه تنها آرامش و آسایش را از وی، که از بسیار کسان دیگر، سلب کرد.

کتاب *نبرد با اهریمن* او، که در سال ۱۹۲۵ نوشته شده، دربارهٔ شخصیت و آثار سه سخن‌پرداز و متفکر آلمانی است — کلائیست، هولدرلین و نیچه.

پس از قرون وسطا، نخستین بار در ۱۹۳۳ صدها هزار کتاب از نویسندگان آلمانی یا نویسندگانی که به زبان آلمانی می‌نوشتند و نویسندگان دیگر ملل در میدان اوتتر دن لیندن، در برابر دانشگاه برلن، به آتش افکنده شد. نوشتن نام همهٔ آن‌ها مستلزم تهیه فهرست بلندبالایی است. در همان یورش اول، کتاب‌های اشتفان تسواایگ به آتش قهر نازیسم سوخت و نویسندهٔ اتریشی خیلی زود متوجه شد نه تنها جاییش در قارهٔ اروپا نیست، که هوای جهان دیگر شفافیت گذشته را ندارد و قابل استنشاق نمی‌باشد. او در ۱۹۳۴ ترک وطن کرد و به انگلستان پناهنده شد. پس از جنگی، در ۱۹۴۰، به برزیل رفت و دیری نپایید که در فوریهٔ ۱۹۴۲ همراه همسرش در ناحیهٔ پتروپولیس، در نزدیکی ریودوژانیرو، خودکشی کرد. جملهٔ پایانی وصیت‌نامه‌اش چنین است:

من آن‌قدر شکیبایی ندارم که منتظر طلوع فجر باشم، از این رو پیشاپیش رفتم.

آثار این نویسنده بسیار متنوع و مفصل است؛ زندگی‌نامه‌های بالزاک، دیکنز، داستایفسکی، تالستوی، هولدرلین، کلائیست و نیچه، که در مجموعهٔ زندگی‌نامهٔ بزرگان ادب و اندیشه آمده، و زندگی‌نامهٔ ژوزف فوشه، ماری آنتوانت، ماری استوارت، ماژلان و فروید، که از مشاهیر سیاسی و اجتماعی‌اند، از شاهکارهای اوست. هم‌چنین اشعار بودلر و ورلن، دو شاعر فرانسوی، و اشعار امیل وراژن، شاعر بلژیکی، را نیز به زبان آلمانی ترجمه کرده است. علاوه بر همهٔ این‌ها، تسواایگ داستان‌های کوتاهی نیز نوشته: *گل‌های سفید، راز، آموک، شطرنج‌باز، ویرانا، شمعدان‌های مدفون*، که برخی از آن‌ها تحت تأثیر مکتب روان‌کاوی فروید است.

در ایران حتی از سال‌های قبل از شهریور ۱۳۲۰ نیز این نویسنده شناخته

شده بود. آثار او ترجمه و بسیار استقبال می‌شد تا بدان حد که امروز تهیه فهرستی از این ترجمه‌ها آسان نیست.

در این یادداشت بنا نبود از نیچه هم مطلبی نوشته شود اما نکته‌ای هست که نمی‌توان آن را ناگفته گذاشت: در سه گانه *نبرد با امریمن*، که در این ترجمه تنها با یکی از چهره‌های آن — نیچه — آشنا خواهید شد، نویسنده عروج احساسات قدرت طلبی ژرمنی و نژادپرستی و مسمومیت خون و اندیشه را، به‌ویژه در اروپا، هشدار داده و به‌شدت از آن انتقاد کرده است. اما متأسفانه از نوشته‌های او در ابعادی گسترده، برای رونق بازار نازیسم، سوءاستفاده به‌عمل می‌آید و طنز روزگار در همین جاست.

اندیشه‌های نیچه درباره مفهوم بسیار کهن «درخشش نور از شرق» با نابکاری هر چه تمام‌تر، در توجیه و تبیین نظریه‌های مکتب ژئوپلیتیک آلمان و فریدریش راتسل درباره «حمله به شرق» و تصرف «فضای حیاتی» سرانجام با اجرای طرح تعرضی «باربروسا» در حمله به روسیه شوروی، به کار گرفته می‌شد.

جست‌وجوی «آبرمرد» نیچه زیاد به‌درازا نکشید. نازی‌ها از مدت‌ها پیش خود را در آن نقش می‌دیدند. کتاب بی‌مانند *چنین گفت زرتشت* به سخیف‌ترین وجه تعبیر شد و دست‌مایه‌ای شد برای تبلیغات شیطان‌گویانه در مورد نژادپرستی در سرزمین‌هایی که سوابق تمدن آریایی داشتند، در صورتی که می‌دانیم زرتشت نیچه هیچ ارتباطی با شخصیت تاریخی زرتشت ندارد. حکومت رایش سوم با تعبیری غلط و به نام وی، که به‌خاطر شادی و آلاهی فکر و عمل بسیار رنج کشیده بود، اکنون همه آن‌ها را برای رونق نازیسم، که در واقع در حکم نفی اندیشه‌های او بود، به خدمت گرفت و این‌همه از آن رو بود که وی را نمی‌شناختند.

سعی این کتاب بر این بود که، برخلاف حجم کمش، با ژرفایی تمام چهره‌ای را که در خور آن است، به وی بازگرداند — اما گویا دیر شده بود.